

مروری بر آداب، رسوم و سنت های مردم در شهرستان های مختلف استان در شب پلدا

«شوچله» رنگارنگ در خطه خراسان

«اوسنه خنی»، رسم شوچله در تربت حیدر یه

شوچله یا شب چله، بلندترین شب سال است؛ همان که امروزی های بیشتر به نام «پلدا» آن را می شناسند تا چله... قدیمی های مستان را تقسیم بندی کرده بودند و برای هر بخش اسمی داشتند. چهل شب اول ز مستان را «چله کلو» می گفتند و شب اول چله کلو را جشن می گرفتند. قدیمی های گفتند شب چله کلو حسابی سرد می شود؛ مگر دور همی ها بتوانند این سرما را کم کند. به قول مرحوم شیخ ذبیح... صاحبکار «دلم از دست سرما غرق خویه / که امشاول چله کلویه». در تربت حیدر یه هم مثل خیلی از شهر های خراسان رضوی، شب چله، رسم و رسوم خاصی دارد. مثلاً نوادامه ها در این شب هدایایی را تحت عنوان «شوچلگی» برای همسرشان می برند. بانوه ها در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ ها، تاپاسی از شب بیدارند و زیر کرسی در کنار خوردن آجیل و میوه، به خواندن اشعار حافظ می پردازند. یکی از رسوم مردم این منطقه از خطه فرهنگ دوست خراسان در شب چله، رسم «اوسنه خوانی» یا همان قصه خوانی است. مادر تربت حیدر یه داستان و قصه و افسانه را «اُوسَنه» می گویم و در این گوشه از این خاک پهناور هم تاپیش از ظهور رادیو و تلویزیون، اوسنه گفتن رواج رونقی داشت. اوسنه های منطقه تربت حیدر یه هم مانند دیگر نقاط دنیارنگ و بوی بومی دارد. هر چند با قصه های دیگر نقاط کره خاکی مان نیز اشتراکاتی دارد.



کف زنی در گناباد، سنت به یادگار مانده شب پلدا

پژوهشگر و مورخ تاریخ گناباد در این باره گفت: گنابادی ها از عصر آخرین روز پاییز اقدام به تهیه کف می کنند و بیش از یک ساعت آن را هم می زنند تا کف غلیظی به دست آید. ابوالحسن دلشاد نوغابی افزود: برای شیرین کردن کف در قدیم از شیره انگور استفاده می شد که اینک در کنار آن از شکر هم استفاده می شود. وی افزود: هنگام کف زنی تمام اعضای خانواده به شادی و سرور و شوخی با یکدیگر می پردازند و شبی ماندگار را برای خود رقم می زنند.



شب پلدای گنابادی ها در اصطلاح محلی «چله نشینی» خوانده می شود. مردم گناباد ضمن صله رحم و دیدار با آشنایان و فامیل با آیین خاصی شب پلدا را سپری می کنند که از مهم ترین آن «کف زنی» است. کف، از ریشه گیاه چوپک یا در اصطلاح محلی «بیخ» به دست می آید و برای در ست کردن آن در وهله نخست ریشه های گیاه چوپک را در آب، خیس و به قطعه های مختلف تقسیم می کنند. بعد از زدودن لایه های سفت، بخش نرم و کرم رنگ آن را سه بار متوالی در آب می جوشانند تا تندی آن بر طرف شود و سپس مایع حاصل از آخرین مرحله جوشاندن ریشه چوپک را در ظرف بزرگ سفالی به نام «تغار» می ریزند. مردان و جوانان فامیل با دسته ای از چوب درخت انار به نام «دسته گز» مایع مربوط را آن قدر هم می زنند تا به صورت کف در آید؛ این کار باید در محیط سر در انجام شود تا مایع کف کند. از کف آماده شده با مخلوط کردن شیره انگور یا شکر و پس از تریین با مغز گردو و پسته برای خوردن و پذیرایی از مهمانان استفاده می شود. یک

قوم دور هم جمع و از احوال همدیگر با خبر می شوند. این پژوهشگر تابیادی در باره غذاهای معروف شب پلدا هم می گوید: در مراسم شب پلدا، غذاهای معروفی طبخ می شود که می توان از قرمه، قابلی، کله پلو، گوشت سرخ کنی، نون روغنی، اشکنه و گوشت و همچنین برنج نام برد. چارباری می افزاید: اگر بخواهیم معروف ترین غذاها را نام ببریم می توان به قابلی، کله پلو و گوشت سرخ کنی اشاره کرد. این محقق تابیادی خاطر نشان می کند: در شب پلدا خانواده هایی که به شغل دامداری مشغول هستند، گوسفندی را برای شب پلدا آماده می کنند که در اصطلاح و گویش محلی به آن «گوسفند پروری» می گویند. همین گوسفند پروری در شب پلدا به مراسم «پروار کشی» یعنی همان گوسفند کشی تبدیل می شود. وی در ادامه سخنان خود به بازی هایی که در شب پلدا انجام می شود، اشاره و تصریح می کند: در گذشته های دور، بازی های مختلف جزو سرگرمی های شب پلدا بوده است. معروف ترین و مهم ترین بازی هایی که در شب پلدا انجام می شود، بازی «پادشاه و وزیر» است. چارباری اضافه می کند: این بازی با یک قوطی کبریت انجام می شود.

شوچله در تایباد

کلثومیان / مراسم شب پلدا، بهانه ای برای دور هم جمع شدن است که در هر منطقه با آداب خاص خودش بر گزار می شود. در گذشته های دور، شب پلدا با رسم و رسوم خاص خود بر گزار می شد. اهالی بومی منطقه تایباد در خانه های گلی، زیر نور چراغ های گردسوز و چراغ توری زیر کرسی می نشستند و ضمن گپ و زن های صمیمانه، به داستان های قدیمی گوش می دادند. «چارباری» از پژوهشگران شهرستان تایباد است که در این باره می گوید: نقل داستان که به گویش محلی تایباد به آن «اوسنه» می گویند، در شب پلدا بسیار رواج داشت؛ به ویژه در بین کودکان که همیشه از مادر بزرگ ها می خواستند برای آن ها اوسنه تعریف کنند. از معروف ترین اوسنه های آن روز ها می توان به داستان «دختر پادشاه و پیر بارزنگی»، «ملک شه مار» و «سلیم جواهری» اشاره کرد. این محقق تابیادی می افزاید: نکته جالب توجه در برگزاری مراسم شب پلدا توسط پیشینیان این است که شب نشینی ها تا چندین شب ادامه پیدا می کرد. مراسم شب پلدا، از همان گذشته تا به امروز معمولاً با دعوت ریش سفید قوم یا طایفه بر گزار می شود؛ به این صورت که چند خانوار مثلاً حدود ۷ یا ۸ خانواده، در خانه ریش سفید

شب پلدا در شهرستان زبرخان

شب چله یا پلدا در زبرخان از رونق خاصی برخوردار است و هنوز خانواده ها در شب پلدا در خانه های ویلایی و قدیمی پدر بزرگ ها دور هم جمع می شوند و از خشکیار و آجیل هایی که عمدتاً از دسترنج خود ساکنان شهرستان زبرخان است، همانند کشمش، آلو خشک، برگ هلو، زردآلو در کنار هندوانه، انار و سیب استفاده می کنند. کوچک تر ها هم به قصه های قدیمی، تاریخی و به یادماندنی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها گوش می دهند. یکی از مراسم شب پلدا در شهر خور، بردن کادوی شب چلگی برای نو عروس توسط خانواده داماد است که داماد کادوهای خریداری شده مانند لباس زمستانی، کفش، چادر و سیدهای تزئین شده همچون میوه و کله قندار داخل سینی های بزرگ مسی به نام مجمعه می گذارد.

رسم خنچه در قوچان

مراسم شب پلدا در قوچان تفاوت چندانی از لحاظ برگزاری و گستردن سفره شب چله با خیلی از مناطق کشور ندارد؛ دامایکی از رسوم ماندگار، بردن «شب چلگی» به خانه عروس است. به این شکل که دوروز قبل از شب چله، توسط خانواده داماد میوه، خوراکی و تنقلات معمول، تهیه و به خانه عروس که هنوز در مرحله نامزدی است، برده می شود. بعضی خانواده های سنتی تر بنا به شیوه قدیم، این اقلام را در طبق های چوبی می گذارند که به آن «خنچه» گفته می شود و افرادی به عنوان طبق کش آن ها را روی سر می گذارند و عده ای با آن ها همراه می شوند و با شور و حال خاصی به خانه عروس می برند. از سوی خانواده عروس هم پاداش و انعامی به طبق کش ها داده می شود. یکی از دیگر موارد قابل توجه شب پلدا در قوچان، این است که سعی می شود افراد فامیل و فرزندان، شب را در خانه بزرگ تر ها از جمله پدر بزرگ و مادر بزرگ بگذرانند و به کوچک تر ها و نوه ها هدیه داده می شود که این رسم به دلیل افزایش همبستگی، پیوستگی و با هم بودن خانواده ها حائز اهمیت است. در سفره شب چله در قوچان به جز میوه ها و خوراکی های معمول همچون هندوانه و انار، حلوا کنجدی و گردویی و آجیل، دانه آفتابگردان (دانه خورشیدی) نیز قرار می گیرد.



آداب و رسوم مردم سبزوار در بلندترین شب سال

شب پلدا در اعماق تاریخ و فرهنگ مردم سبزوار قرار دارد که البته در طول سال های گذشته تغییراتی یافته و چیزهایی به آن افزوده یا از آن رسوم کسر شده است. در شب پلدا زنان و مردان به طور جداگانه چند سنگ کوچک و بزرگ به وزن تقریبی نیم کیلو و کمتر داخل مجمعه (سینی بزرگ) برای شکستن بادام، گردو و دانه های زردآلوئی نفت داده شده، می گذارند و با شکستن آن ها به خوردن این تنقلات مشغول می شوند. بازگویی داستان ها، مثل ها، چیستان ها و فال گرفتن ها و تعریف خاطرات گذشته از مادر بزرگ و پدر بزرگ و نوشیدن چای از دیگر رسوم این شب است. زیباترین چهره مراسمی که در شب پلدا در محلات و گوشه و کنار سبزوار، شهر دارالمومنین و شهر دیرینه های پایدار، انجام می شود، فرستادن خنچه میوه برای عروس از طرف خانواده داماد است.



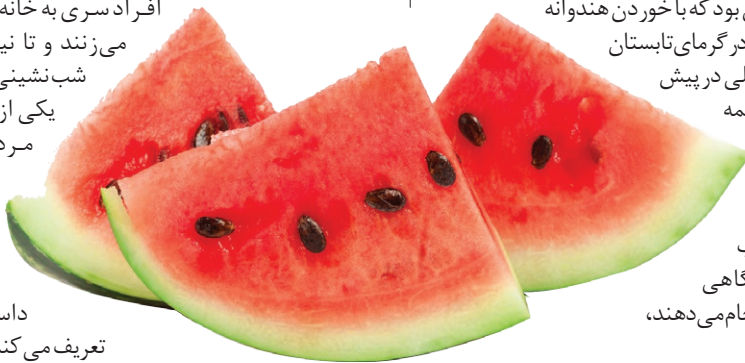
جوبن

در ایام منتهی به اول دی و شب چله، بزرگان محل و به ویژه کشاورزان، وظیفه تأمین کدو و چغندر مورد نیاز فامیل، همسایگان و حتی آشناهایی را که به دیگر شهرستان های کشور مهاجرت کرده اند، برعهده دارند. کشاورزان موقع برداشت محصولات، هندوانه های

استخوان دار و محکم را نگه می دارند و شب چله به اقوام، همسایه ها و دوستان هدیه می دهند تا در این شب از آن استفاده کنند. همچنین پروار کشی در ایام شب چله در تمام روستاها مرسوم و متداول بود، ولی امروزه فقط در چند روستای منطقه پیرا کوه جوبن،

هندوانه زمستانی در تربت جام

شهرستان تربت جام نیز مانند دیگر مناطق ایران به شب پلدا اهمیت خاصی می دهد و هر سال این مراسم را با آداب و رسوم خاصی برگزار می کند. مردم تربت جام در شب پلدا، هندوانه زمستانی نوش جان می کنند؛ چرا که معتقدند با خوردن این هندوانه، لرز و سوز سرما دیگر تأثیری بر بدنشان ندارد و تا آخر زمستان سرما نخواهند خورد. یکی دیگر از آداب و رسوم شب پلدا در تربت جام این است که اعضای خانواده برای نوعروس خانواده شان طبق های هدیه به عنوان چلگی می برند. محتویات این طبق ها یا خوانچه ها شامل شیرینی، پرتقال، سیب، انار، هندوانه، نخود، کشمش، گردو و... است. با بردن این طبق ها افراد سری به خانه عروس و داماد می زنند و تا نیمه های شب به شب نشینی می پردازند. یکی از رسم های دیگر مردم تربت جام در شب پلدا این است که بزرگ فامیل برای بچه ها داستان یا اوسنه تعریف می کند.



جشن آغاز چله در درگز

شب پلدا که مردم در گز از آن با عنوان آغاز چله بزرگ یاد می کنند، از گذشته تا به حال آیین و رسوم خاصی داشته است. به ویژه این که خانواده تازه داماد مجموعه ای از وسایل خوراکی شامل حبوبات، میوه، شیرینی و لباس را در داخل سینی های بزرگ قرار می دهند و به همراه ساز دهل و سرناشادمان و پای کوبان به منزل عروس می برند و متقابلاً خانواده عروس نیز علاوه بر قسمتی از آورده های داماد، مقداری وسایل نو مثل لباس و کفش را برای داماد هدیه می برند. همچنین از جمله رسوم شب پلدا، دورهمی است که کوچک تر های فامیل به منزل بزرگ تر ها یا همسایگان و آشنایان می روند و خانواده های میزبان با پخت انواع خوراکی و تنقلات زمستانی مثل لبو، کدو حلوائی و غذای هفت رنگ و تخمه دور هم جمع می شوند.

شب چله در کوهپایه بردسکن

مردمان خونگرم و مهمان نواز کوهپایه بردسکن، همچون جای جای این مرز و پرگهر در اولین شب زمستان گرد هم می آیند و آغاز چیرگی نور و گرمای تاریکی و سرما را جشن می گیرند. مردم این دیار برای استقبال از شب چله مقدماتی را فراهم می کنند: بهترین هندوانه و انار را اجدامی کنند، لبو، زردک، شلغم و باقالی می پزند. آجیل شور می کنند، آتش برای کرسی میهای می کنند. کوچه آب و جارو می کنند. بزرگان لباس فاخر می پوشند. همه دور کرسی می نشینند و به دور از عالم مجازی در فضایی دوستانه و واقعی رو در روی هم می نشینند، گل می گویند و گل می شنوند. جوانان و نوجوانان به بازی می پردازند: پادشاه وزیر، سه سه با بچول، چیستان گویی، دوبیتی خوانی، حرکات طنز، سیاه بازی، کف زنی و... سرگرمی رایج آنان است.

چله نشینی فریمانی ها

شب پلدا یا شب چله همواره در بین مردم فریمان به ویژه روستاهای این شهر، شبی به یادماندنی و خاطر انگیز است. دور هم نشستن و انجام برخی آداب و رسوم از سنت هایی است که در گذر زمان نسل به نسل به خوبی حفظ شده است و هنوز هم در بین برخی از خانواده های قدیمی و سنتی فریمان به خصوص در روستاها رواج دارد. مردم این شب که بلندترین شب سال است، دور کرسی های نشینند و به نوعی ورود به زمستان و پایان پاییز را جشن می گیرند. در گذشته هر فردی برای رفتن به مهمانی در این شب، یک چراغ یا خود به همراه داشت و به دلیل فراوانی چراغ ها در این شب نسبت به شب های دیگر، این شب به شب چله معروف شده است. فریمانی ها در این شب خاطر انگیز اعتقاد داشتند که اگر خانواده ای عروسی دارد که هنوز به خانه بخت نرفته، برای خیر و برکت زندگی عروس و داماد برای او هدیه ای تحت عنوان شب چله می برند.

